



راهبرد نوین بازدارندگی فعال ایران در قبال رژیم صهیونیستی

وحید رنجبر حیدری^۱، زینب درویشوند^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷

چکیده:

روابط ایران و رژیم صهیونیستی از ابتدای ظهور این رژیم، دارای فراز و نشیب‌های متعددی بوده است. در دوران پهلوی، علی‌رغم مخالفت افکار عمومی، روابط دو کشور به طور مخفیانه و غیررسمی و در چارچوب منافع مشترک شکل گرفت. پس از انقلاب اسلامی، دولت ایران روابط را به طور کامل قطع و رژیم صهیونیستی را به عنوان رژیم غاصب و غیرمشروع معرفی نمود. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی تلویحی گردیده، به دنبال پاسخ به این سؤال است که روند چرخش و تغییر راهبرد ایران در قبال رژیم صهیونیستی چگونه بوده است؟ بررسی شاخص‌های متعدد حاکی از این است که تغییر در سیاست خارجی ایران ناشی از ایدئولوژی اسلامی و تمایل به صلور انقلاب بود. لذا دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، بر لزوم حمایت از حقوق ملت فلسطین تأکید داشته و روابط دیپلماتیک ایران و رژیم صهیونیستی همچون ۱۶ تیر ۱۳۳۰ که محمد مصدق-نخست‌وزیر وقت- دستور قطع روابط را داد مجدداً پس از پیروزی انقلاب نیز این روابط به‌طور کامل و در همه زمینه‌ها قطع گردید و از طرفی هرگز رژیم صهیونیستی به عنوان یک دولت ملی به رسمیت شناخته نشد. در نتیجه رویکردهای اتخاذ شده از سوی ایران در قبال رژیم صهیونیستی به پنج دوره شامل: دکترین ایهام محاسبه شده، دکترین قطع روابط، دکترین پیرامون، دکترین صبر استراتژیک و دکترین بازدارندگی فعال تقسیم می‌گردد.

واژگان اصلی: ایران، بازدارندگی فعال، دکترین پیرامون، رژیم صهیونیستی، صبر استراتژیک

۱. استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
ranjbar@soc.ikiu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

مقدمه

بیان مسئله؛ روابط میان ملت‌ها به دلیل پیچیدگی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی همواره در حال تغییر است. این ناپایداری می‌تواند فرصت‌هایی برای همکاری و همبستگی ایجاد کند، اما ممکن است در شرایطی نیز به تنش‌ها و چالش‌هایی منجر شود. درک این تغییرات به ما کمک می‌کند تا بهتر با دنیای ناپایدار امروز سازگار شویم. راهبرد دفاعی کلان هر کشور، در دکرین دفاعی و امنیتی آن تجسم و تبلور یافته است. نخبگان امنیتی برای رسیدن به این امر مهم دکرین دفاعی کشور را به تناسب با سطح تهدیدات بالفعل و بالقوه برنامه ریزی نموده و عملیاتی می‌کنند. وضعیت ناامنی در محیط‌های پیرامونی سبب شده که نخبگان تصمیم‌ساز در حوزه دکرین دفاعی - امنیتی شاخص‌های امنیت‌سازی و رویکردکنشگری صریح در محیط پرآشوب پیرامونی را محوریت راهبرد‌های دفاعی کشور قرار دهند. بدین توضیح که هرگونه منفعل بودن در حوزه‌های امنیتی موجب سرریزی ناامنی‌ها و آشوب از محیط پیرامونی به محیط داخلی می‌گردد (باقرزاده، ۱۴۰۲: ۳۶). دکرین روابط ایران با رژیم صهیونیستی نیز، در دهه‌ای با رویکرد دوستی و وابستگی همراه و در دوره‌ای نیز با قطع همکاری و شکل‌گیری خصوصت جریان داشته است. عوامل متعددی باعث تبدیل روابط ایران و اسرائیل از همکاری به تعارض شدند، انقلاب اسلامی ایران کانونی‌ترین عامل تغییر رویکرد در قبال رژیم صهیونیستی شناخته می‌شود. پس از انقلاب، ایران روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی را قطع و آن را رژیمی غاصب معرفی کرد. لذا در این پژوهش به دنبال بررسی علل تغییر راهبرد ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی پس از انقلاب اسلامی می‌باشد که ازجمله می‌توان به توسعه برنامه هسته ایران بعنوان یکی از عوامل عمده در جهت تغییر رویکرد ایران اشاره نمود. برنامه هسته‌ای ایران نگرانی‌های امنیتی برای اسرائیل ایجاد کرد و

تنش‌ها را افزایش داد. حمایت ایران از گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله و حماس نیز به عنوان سومین رویکرد، به تشدید خصومت‌ها انجامید. چهارمین عامل دولت‌های برسرکار آمده در رژیم صهیونیستی به ویژه در دوره‌های مختلف، مواضع تهاجمی علیه ایران اتخاذ کردند که به تنش‌ها دامن زد. اما آنچه در نهایت رویه صبر استراتژیک ایران را به بازدارندگی فعال تغییر داد شروع جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس و رژیم صهیونیستی بود. این رژیم با زیر پا گذاشتن خط قرمزهای ایران از آغاز جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ زنگ خطر واکنش شدید ایران را به صدا در آورد، از آن‌جا که واحد‌های سیاسی با توجه به فوریت تهدیدات به ایجاد بازدارندگی در راستای حفظ امنیت خود و بقاء وجودی کشورشان اقدام می‌کنند (کدخدایی و عسگری حصن، ۱۳۹۸: ۴۷). لذا ایران نیز سیاست بازدارندگی فعال را اتخاذ و به دنبال واکنش نسبت به اقدامات رژیم صهیونیستی برآمده است. تحلیل رویکرد بازدارندگی فعال نشان می‌دهد که این دو کشور در تلاشند تا با استفاده از استراتژی‌های نظامی و سیاسی، یکدیگر را مهار کنند. این دکترین به دنبال ایجاد یک توازن قوا و جلوگیری از جنگ تمام‌عیار است، درحالی‌که رژیم صهیونیستی نیز به دنبال تحمیل بازدارندگی به ایران است و در مجموع، این تنش‌ها بیشتر به عنوان ابزاری برای جلوگیری از درگیری‌های مستقیم تلقی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

عالیشاهی (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان عملیات طوفان الاقصی و کاربست پارادایم نوین مقاومت در جهان اسلام به پارادایم نوین مقاومت در این عملیات، تغییر در الگوهای تاریخی تقابل و استفاده از تاکتیک‌های پیشرفته را نشان می‌دهد، که به طور مؤثرتری برتری نظامی رژیم صهیونیستی را به چالش کشید. این عملیات به‌عنوان یک الگوی جدید مقاومت در جوامع اسلامی تحلیل شده و هدف آن الگوسازی برای مقابله با اشغالگری رژیم صهیونیستی و نقض

حقوق بشر است. عالیشاهی با استفاده از روش فراترکیب، ابعاد مختلف این عملیات و تأثیرات آن بر منطقه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

شهبازی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان **ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه** به بررسی تاریخچه روابط ایران و اسرائیل از زمان تأسیس رژیم اسرائیل تا کنون می‌پردازد. این مقاله به تحلیل همکاری‌های اولیه در دوران پهلوی، که با وجود مخالفت‌های داخلی ادامه داشت، و سپس قطع روابط پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. شهبازی تأکید می‌کند که جمهوری اسلامی ایران به دلیل مواضع ایدئولوژیک خود، اسرائیل را فاقد مشروعیت دانسته و خواستار نابودی آن شده است.

کریمی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان **تقویت روابط ایران و اسرائیل در پرتو نقش جمال عبدالناصر به بررسی تأثیر اندیشه ناصریسم بر روابط ایران و رژیم صهیونیستی** می‌پردازد. جمال عبدالناصر با تأکید بر هویت عربی، نگرانی‌های مشترکی برای ایران و رژیم صهیونیستی ایجاد کرد که به تقویت روابط بین این دو کشور انجامید. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه اقدامات ناصر باعث شد تا رژیم پهلوی و رژیم صهیونیستی به عنوان دو کشور غیرعرب، به دنبال منافع مشترک علیه تهدیدات منطقه‌ای همکاری کنند. همچنین این مقاله نشان می‌دهد که چگونه با به قدرت رسیدن عبدالناصر، روابط ایران و مصر تیره شد، به‌ویژه پس از به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی توسط محمدرضا شاه پهلوی.

برزگر (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان **بررسی امکان‌سنجی رویارویی نظامی اسرائیل به تحلیل چالش‌ها و استراتژی‌های نظامی رژیم صهیونیستی در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران و حمایت‌های نظامی این کشور از گروه‌هایی مانند حزب‌الله می‌پردازد**. همچنین، تأکید می‌شود که رژیم اشغالگر باید به اهداف کلیدی در ایران حمله کند تا توانایی‌های نظامی خود را حفظ کند و از جنگ فرسایشی جلوگیری کند و فضای عملیات خود در لبنان را حفظ کند.

کوهستانی نژاد (۲۰۰۳) در پژوهش خود با عنوان روابط ایران و اسرائیل در دوره دولت دکتر مصدق (۱۳۳۲-۱۳۳۰) به بررسی تحولات دیپلماتیک این دوران می‌پردازد. در این زمان، دولت مصدق به دلیل فشار کشورهای عربی، روابط رسمی با اسرائیل را قطع کرد و سرکنسولگری خود را در بیت‌المقدس منحل نمود. با این حال، روابط غیررسمی از طریق سفارتخانه‌ها در ترکیه ادامه یافت و ایران به عنوان مسیر عبور یهودیان به سرزمین اشغالی عمل می‌کرد. کوهستانی نژاد اشاره می‌کند که ایران در سال ۱۳۲۸ به‌طور دوفاکتو رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناخت، اما تحت فشارهای داخلی و خارجی، به ویژه از سوی روحانیون، در تیر ۱۳۳۰ این شناسایی را لغو کرد.

آدمی و تبریزی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان تأثیرات بازدارندگی ایران و اسرائیل بر امنیت منطقه‌ی آسیای غربی به بررسی تأثیرات استراتژیک دو کشور بر امنیت منطقه می‌پردازد. نویسندگان به تحلیل قدرت بازدارندگی ایران و توان نظامی اسرائیل اشاره کرده و تأکید می‌کنند که این بازدارندگی می‌تواند مانع از وقوع جنگ‌های گسترده‌تری شود. همچنین، مقاله به چالش‌های موجود در روابط دو کشور و تأثیرات آن بر ثبات منطقه‌ای می‌پردازد.

تریتا پارسی (۲۰۰۸) در کتاب *Treachorous Alliance: The Secret Dealings of Israel, Iran, and the United States* به بررسی روابط پیچیده و اغلب دوگانه بین رژیم صهیونیستی، ایران و ایالات متحده از سال ۱۹۴۸ تا کنون می‌پردازد. این اثر به تحلیل تحولات سیاسی و نظامی میان این کشورها و تأثیرات آن بر ثبات خاورمیانه می‌پردازد. پارسی به جزئیات همکاری‌ها و دسیسه‌های پنهانی اشاره می‌کند که درک بهتری از تنش‌های کنونی ارائه می‌دهد.

^۱ Trita parsi

آوی شلایم^۱ (۲۰۲۳) در کتاب *The Secret War Between Iran and Israel* به بررسی ابعاد نظامی و اطلاعاتی روابط ایران و رژیم صهیونیستی در دوران معاصر و به تحلیل تنش‌ها و درگیری‌های پنهانی میان این دو واحد سیاسی، شامل عملیات‌های ویژه و ترورهای هدفمند، می‌پردازد. او بر تحلیل عمیق و شکستن قالب‌های ذهنی تأکید دارد، که شامل استفاده از تکنیک‌های خلاقیت مانند طوفان فکری و تکنیک شش کلاه تفکر است.

چارلز دی. فریلیچ^۲ (۲۰۱۸) در کتاب خود با عنوان *Israeli National Security: A New Strategy for an Era of Change* به بررسی چالش‌های نظامی، دیپلماتیک و اجتماعی رژیم صهیونیستی می‌پردازد و یک استراتژی جدید برای امنیت ملی این رژیم پیشنهاد می‌کند. همچنین بر این باور است که ایران هسته‌ای، تهدیدی جدی برای موجودیت صهیونیست‌ها است. این کتاب به تغییر رویکرد رژیم صهیونیستی در قبال ایران اشاره و تأکید می‌کند که صهیونیست‌ها باید با تقویت روابط خود با ایالات متحده و اتخاذ استراتژی‌های نظامی، توانایی‌های ایران را کاهش دهند.

جهان‌دیده (۱۴۰۳) در کتاب خود با عنوان وعده صادق به بررسی عملیات وعده صادق پرداخته است. این اثر به بررسی چندین بخش کلیدی از عملیات وعده صادق می‌پردازد: ۱- علل و اهداف عملیات ۲- نوع و حجم عملیات ۳- نتایج و پیامدها

۳. مبانی نظری

نظریه‌ی بازدارندگی؛ به دنبال تضعیف مفاهیم آرمان‌گرایی پس از جنگ جهانی دوم، یکی از نظریات مبتنی بر پارادایم واقع‌گرایی در عرصه‌ی بین‌الملل، مورد توجه نظریه‌پردازان مسائل

^۱ Avi Shlaim

^۲ Charles D. Freilich

قرار گرفت. بازدارندگی به معنای اخطار به دشمن جهت به‌کارگیری زور است، لذا با متقاعد ساختن وی که هزینه‌های چنین اقداماتی بر منافع بالقوه‌اش می‌چربد، عمل بازدارندگی استراتژیک، تهدید به کاربرد سلاح‌های انهدام وسیع است که در صورت استفاده از این سلاح‌ها، هزینه‌های سنگینی را بر سرزمین دشمن متجاوز وارد می‌سازد. جهت تضمین چنین هزینه‌ای، قابلیت ایراد ضربه دوم ضروری است. به این معنی که نیروهای استراتژیک تهاجمی باید توانایی تحمل ضربه اولیه دشمن را دارا بوده باشند و ظرفیت خود را برای پاسخ دادن با ضربه دوم نابود کننده حفظ نمایند. در این شیوه تجاوزگر از نابودی مطمئن می‌شود. بنابراین از حمله اولیه بازداشته می‌گردد. لذا بازدارندگی مستلزم حساسیت نسبت به قابلیت بقای نیروهای استراتژیک است (کگلی و ویتکف، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۵۶). بازدارندگی از ادبیات راهبردی گسترده‌ای برخوردار می‌باشد. حوزه نظریه بازدارندگی مشمول متقاعد ساختن حریف نسبت به اینکه هزینه‌ها و خطرهای خط مشی احتمالی او از منافع آن بیشتر است یاد می‌شود (فالتز گراف و رابرت، ۱۳۸۴: ۵۹۶). راهبردهای دفاعی هر کشور پاسخگویی به تهدیدات بین‌المللی و منطقه‌ای است. واحدهای سیاسی با توجه به این تهدیدات به ایجاد بازدارندگی در راستای حفظ امنیت و بقا موجودیت کشور خویش اقدام می‌کنند نظام دفاعی جمهوری اسلامی ایران از جهاتی متأثر از فرهنگ راهبردی این کشور بوده که در مواجهه با تهدیدات و چالش‌های متعدد شکل گرفته است.

مدل بازدارندگی معطوف به روابط بین دولت‌ها؛ مدل طراحی شده زیر معطوف به جلوگیری از تحقق تهدیدات و مستلزم به‌کارگیری پارامترهای مختلفی است که تحقق چنین موضوعی را سبب می‌گردد. ایجاد شرایط بازدارندگی:

۱- طراحی حوزه های بازدارندگی استراتژیک

• در این مرحله هر گونه اقدام باید بر اساس اصل عقلانیت اتخاذ شود.

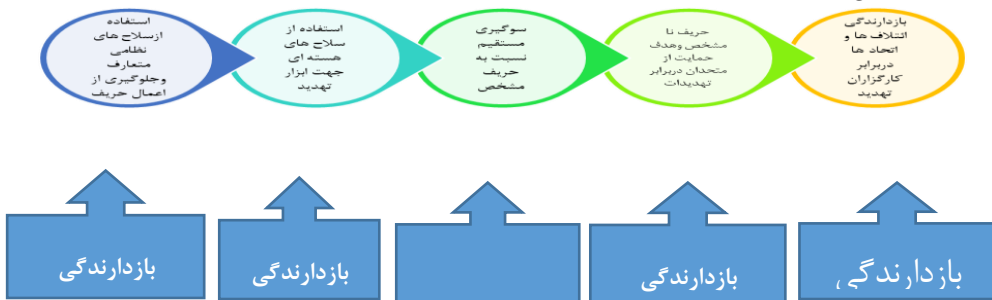
۲- ایجاد شرایط مقدماتی بازدارندگی

- الف) توانایی لازم بر تحمیل خسارت بر دشمن، ب) آگاه ساخت دشمن از اعمال ممنوعه
- ج) متوجه کردن دشمن به این موضوع که در صورت اقدام ممنوعه تهدیدات عملی خواهد شد.

نمودار شماره ۱. بازدارندگی (منبع: یافته های تحقیق)

پس از مشخص نمودن شرایط بازدارندگی، در پژوهش حاضر اقدام به ارائه نوع مدل فیزیکی آن خواهد شد. این مدل ها بر اساس این که آیا مستقیماً علیه دشمن سمت گیری شده یا جهت حمایت از متحدان و حوزه استراتژیک خواهد بود ترسیم می شود. انواع مدل های فیزیکی

بازدارندگی:



نمودار شماره ۲. شرایط بازدارندگی (منبع: یافته های تحقیق)

۴. تحلیل یافته ها

در این پژوهش با تفکیک هر دوره بر اساس دکترین مخصوص به خود سعی شده است به گونه ای منظم روایت دوران روابط پریپچ و خم ایران و رژیم اشغالگر قدس تشریح شود. در جدول ذیل، دکترین های مسلط روابط ایران با رژیم صهیونیستی در دوران حکومت پهلوی تا نظام مقدس جمهوری اسلامی به صورت جداگانه تبیین شده و سپس به کاربست هر دوره پرداخته خواهد شد.

دکترین
۵ دوره
مشخص
در روابط
ایران و
رژیم
صهیونیستی

به معنای رویکردی در تحلیل و تفسیر مسائل پیچیده و مبهم است که در آن، تلاش می‌شود تا با استفاده از روش‌های منطقی و تحلیلی، ابهامات موجود رفع شود. این دکترین به ویژه در حقوق و علوم اجتماعی کاربرد دارد و به تبیین و شفاف‌سازی قوانین و اصول کمک می‌کند

دکترین قطع روابط به معنای عدم وجود یک چارچوب مشخص برای سیاست خارجی است که می‌تواند منجر به ابهام در دیپلماسی و روابط بین‌الملل شود.

یک استراتژی سیاسی و نظامی است که رژیم صهیونیستی از دهه ۱۹۵۰ برای مقابله با انزوا در خاورمیانه اتخاذ کرد. هدف اصلی این دکترین، ایجاد روابط با کشورهای غیرعرب و گروه‌های مذهبی و قومی بود که منافع مشترکی با این رژیم داشتند

یک دکترین سیاسی و نظامی است که بر خویشتنداری و عدم واکنش فوری به تحریکات تأکید دارد. این رویکرد به معنای انتظار برای زمان مناسب جهت دستیابی به اهداف استراتژیک و کاهش خطرات ناشی از اقدامات عجولانه است

به عنوان یک استراتژی کلیدی در سیاست دفاعی، بر ایجاد هزینه‌های سنگین برای مهاجمان و توانایی پاسخ‌گویی متناسب با تهدیدات تأکید دارد. هدف نهایی این دکترین، تحقق منافع ملی و امنیت پایدار است

نمودار شماره ۳. دکترین ایران، (منبع: یافته های تحقیق)

۴-۱. دکترین ابهام محاسبه شده

به دنبال شکست امپراتوری عثمانی بعد از جنگ جهانی، قیمومت فلسطین توسط جامعه ملل به انگلیس واگذار شد^۱ (رضانی قوام آبادی، ۱۳۹۵: ۵). با وقوع جنگ جهانی دوم و با بالا گرفتن درگیری میان یهودیان فلسطین و اعراب، انگلستان با محول کردن موضوع به سازمان ملل تلاش کرد تا جایگاه یهودی‌ها را از منظر قانونی و حقوقی تثبیت سازد (منصوری، ۱۴۰۲: ۳۰۰). در اردیبهشت ۱۳۲۶ در سازمان ملل کمیسیون ویژه مسئله فلسطین تحت عنوان کمیته بازجویی تشکیل شد اولین واکنش ایران در قبال فلسطین به موضوع این کمیسیون برمی‌گردد. نصر الله انتظام، نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد با طرح مزبور مخالفت کرده و تأکید داشت هر گونه تقسیم فلسطین به معنی آتش افروزی در خاورمیانه است لذا بایستی از این طرح جلوگیری و زمینه شکل‌گیری یک دولت ائتلاف عربی - یهودی را ایجاد کرد (زارع، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۲). در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۴۷ با صدور قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص تقسیم کشور فلسطین، مردم ایران با انجام تظاهرات به رهبری آیت الله کاشانی به مخالفت با این تصمیم پرداختند. نمایندگان مجلس شورای ملی نیز در برابر این اقدام سازمان ملل موضع خصمانه گرفتند. در واقع سیاست دولت ایران در قبال رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس آن به صورت دو فاکتو شناسایی نمود. برخی تحلیلگران، این مقطع زمانی را نوعی «ابهام محاسبه شده» تلقی می‌کردند، برای این ابهام دو دلیل مطرح شده است: ۱- حمایت مردم از فلسطین به رهبری روحانیون؛ در این زمان شاه برای تحکیم پایه‌های قدرت خود به حمایت علما نیازمند بود، لذا هر اقدامی که منتهی به رویارویی با آنها می‌شد خودداری می‌کرد. ۲- دلیل

^۱ در تاریخ ۲۵ جولای ۱۹۲۱، جامعه ملل قیمومت فلسطین را به بریتانیا واگذار کرد. این تصمیم در پی توافقات پس از جنگ جهانی اول و قرارداد سایکس-پیکو اتخاذ شد که هدف آن کنترل سرزمین‌های عثمانی بود. بریتانیا موظف شد شرایط لازم برای استقلال فلسطین را فراهم کند، اما در عمل به حمایت از مهاجرت یهودیان و توسعه زیرساخت‌های آنها پرداخت

دیگر به سیاست خارجی اسرائیل در این مقطع زمانی بر می گشت که حاکی از یک نوع سیاست بی طرفی در قبال آمریکا و شوروی بود. لذا شاه که در این زمان به دنبال حمایت از آمریکا و مقابله با شوروی بود و رژیم صهیونیستی گزینه مناسبی برای برقراری رابطه محسوب نمی شد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۱۰)

۴-۲. دکتین قطع روابط؛ از شناسایی دو فاکتور رژیم صهیونیستی تا لغو شناسایی

با تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ با وجود واکنش‌های نمایندگان مجلس در مخالفت با رسمیت شناختن دولت رژیم صهیونیستی، ایران در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ به‌طور رسمی این رژیم را به صورت دو فاکتور^۱ به رسمیت شناخت. عوامل مختلفی از جمله حفظ منافع ایرانیان مقیم فلسطین و فشارهای بین‌المللی در این تصمیم نقش داشتند. این اقدام با انتقادات داخلی و خارجی از سوی کشورهای عربی مواجه شد و به دنبال آن، روابط ایران و رژیم صهیونیستی تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی قرار گرفت و این تصمیم در دولت محمد ساعد مراغه‌ای اتخاذ شد (قانون، ۱۳۸۸: ۱۹۱-۱۸۸). با روی کار آمدن دکتر مصدق و با وجود تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای عادی سازی روابط با دولت وی، این اقدام به دلیل حضور نیروهای ملی مذهبی در مجلس که طرفدار دولت‌های عربی بودند، موفق نشد و دولت مصدق روابط خود را با این رژیم گسترش نداد (کریمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹) و در نهایت دکتر مصدق هنگام سفرش به قاهره در سال ۱۳۳۰ شناسایی ایران از رژیم صهیونیستی را پس گرفت (امینی ۱۳۸۱: ۳۲۴ و تقی پور ۱۳۹۰: ۳۳۰) و نمایندگان ایران را از سفارت این رژیم فراخواند. عوامل اصلی قطع روابط ایران و رژیم صهیونیستی در دوران دکتر مصدق شامل موارد ذیل است: ۱-

^۱ این نوع شناسایی به معنای شناسایی موقتی یک دولت است که تحت شرایط خاص و محدودیت‌های سیاسی انجام می‌شود. این روابط معمولاً ناقص و غیررسمی هستند و شامل مصونیت دیپلماتیک نمی‌شوند.

حمایت از کشورهای عربی: مصدق به دنبال تقویت روابط با کشورهای عربی بود و قطع رابطه با رژیم صهیونیستی را به عنوان بخشی از این سیاست اتخاذ کرد. ۲- فشارهای داخلی و خارجی: دولت‌های عربی به مصدق اعلام کردند که در صورت قطع شناسایی، از ایران در منازعات نفتی حمایت خواهند کرد. ۳- منازعات منطقه‌ای: تنش‌ها با عراق و مسائل مربوط به یهودیان عراقی نیز بر تصمیم مصدق تأثیر گذاشت. ۴- روحیه ضد استعماری: مصدق و حامیانش به دنبال مبارزه با استعمار و حمایت از حقوق فلسطینی‌ها بودند که این موضوع نیز بر قطع روابط تأثیرگذار بود.

۳-۴. دکترین پیرامون نتانیاهو و الیاهو ساسون؛ آغاز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تغییر رویه ایران در قبال رژیم صهیونیستی و بازگشایی سفارت ایران در تل آویو

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روابط ایران و رژیم صهیونیستی چرخش یافت و ایران مجدد این رژیم را به عنوان دولت مستقل به رسمیت شناخت (تقی پور: ۱۳۹۰: ۳۰۷). شاه در مصاحبه ای اعلام نمود که ایران از سال ۱۳۲۸ به بعد تل آویو را به صورت دو فاکتو به رسمیت شناخته و از آن زمان تاکنون تحولی در روابط دو کشور به وجود نیامده است. به دنبال این سخنرانی سفارت ایران در تل آویو در سال ۱۳۳۷ گشایش یافت و رژیم صهیونیستی نیز در تهران سفارتخانه دایر کرد (امینی، ۱۳۸۱: ۳۲۵). عوامل مؤثر در تغییر روابط این دو رژیم پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شامل موارد زیر است: ۱- سقوط دولت مصدق: با سقوط دولت ملی دکتر مصدق، محمدرضا پهلوی تمایل به بهبود روابط با اسرائیل را افزایش داد. ۲- حمایت آمریکا: تقویت روابط ایران با آمریکا، به عنوان یک متحد استراتژیک، به گسترش همکاری‌ها با رژیم صهیونیستی کمک کرد. ۳- فشارهای داخلی و خارجی: وجود مخالفت‌های داخلی و

^۱ Eliyahu Sassoon

تهدیدات از سوی کشورهای عربی، مانع از رسمی شدن این روابط شد، اما همکاری‌های غیررسمی ادامه یافت ۴- منافع اقتصادی و نظامی: همکاری‌های اقتصادی و نظامی، از جمله تأمین نفت رژیم صهیونیستی و آموزش نظامیان ایرانی، روابط دو کشور را نزدیک‌تر کرد. به طوری که ایران به بزرگ‌ترین فروشنده نفت رژیم صهیونیستی تبدیل شد و همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی نیز برقرار شد. دخایر نفتی ایران برای این رژیم جنبه حیاتی داشت، بنابراین صهیونیست‌ها همه تلاش خود را برای استمرار جریان مطمئن نفت به کار گرفتند. ایران هرگز به رغم تهدید فشار اعراب در تحریم نفتی اعراب علیه رژیم صهیونیستی شرکت نکرد (آرائی و نجف پور، ۱۳۹۲: ۱۲۵). بعد از کودتای ۱۳۳۲ یکی از قراردادهای بازرگانی مهمی که سرآغاز توسعه معاملات اقتصادی میان این دو رژیم محسوب می‌شد، انعقاد موافقت نامه فی مابین بانک ملی و بانک لوسی لو رژیم صهیونیستی بود که در تهران به امضاء رسید (وزارت امور خارجه، ۱۳۳۲). روابط اقتصادی ایران و رژیم صهیونیستی به رغم اینکه از اوایل دهه ۴۰ شتاب تندی به خود گرفت، اما محدودیت‌هایی نیز داشت از جمله اقتصاد غیرمکمل، نبودن ارتباطات زمینی بین دو کشور، و..... تا حدودی در عدم گسترش آن به سطح دلخواه مؤثر بود. با این وجود شاه پهلوی با تأتی پذیری از پیشرفت‌های سریع رژیم صهیونیستی در نظر داشت تا از آن به عنوان یک الگوی توسعه استفاده کند (شهبازی، ۱۳۹۳: ۹۷). ایران و رژیم صهیونیستی در این دوره همکاری‌های اطلاعاتی- امنیتی نیز داشتند و سازمان اطلاعاتی موساد، فعال‌ترین شبکه اطلاعاتی در ایران بود و در تأسیس سازمان اطلاعاتی امنیتی ساواک نقش تعیین کننده ای داشت (ازغندی: ۱۳۸۴). روابط فرهنگی نیز بین این دو رژیم برقرار بود، این همکاری‌ها شامل؛ تبادل اطلاعات، آموزش و تأسیس مراکز فرهنگی مانند "خانه کوروش" در تل‌آویو بود که به ترویج پیوندهای تاریخی بین دو کشور کمک می‌کرد. رژیم صهیونیستی نیز به کار تبلیغات در

رژیم پهلوی می‌پرداخت. تبلیغات هدف دار این رژیم مبنی بر این بود که ایرانیان از نظر فرهنگی، زبانی، نژادی از اعراب جدا بوده و رقابت‌های بین اعراب و ایران را تشدید می‌کرد و جدایی از اعراب به معنای نزدیکی به این رژیم تلقی می‌شد. در زمینه نظامی نیز همکاری زیادی وجود داشت به طوری که این همکاری‌ها منجر به انعقاد یک رشته قراردادهای ملاقات‌های دو جانبه در بالاترین سطح فرماندهان نظامی بین دو کشور می‌گردید. همچنین این رژیم نقش مهمی به‌عنوان منبع قابل اعتماد برای خرید تسلیحاتی و مشاوره‌های نظامی برای ایران داشت (قانون، ۱۳۸۱: ۳۱۴). رژیم پهلوی به دلایل متعددی با رژیم صهیونیستی روابط نظامی برقرار کرد. این عوامل عبارتند از: ۱- منافع مشترک: ایران و اسرائیل در برابر تهدیدات کشورهای عربی و نفوذ کمونیسم به یکدیگر نیاز داشتند و این همکاری به تقویت امنیت هر دو کشور کمک کرد. ۲- تأمین تسلیحات: اسرائیل در ازای خرید نفت از ایران، سلاح و تجهیزات نظامی به این کشور می‌فروخت. قراردادهای مهمی مانند پروژه شکوفه برای ساخت موشک‌های بالستیک نیز بین دو کشور منعقد شد. ۳- همکاری اطلاعاتی: ساواک و موساد در زمینه‌های اطلاعاتی و امنیتی همکاری نزدیکی داشتند، که شامل آموزش و تبادل اطلاعات بود. همکاری‌های نظامی رژیم پهلوی و رژیم صهیونیستی شامل نیروی هوایی، فروش اسلحه و آموزش نیروهای ایرانی در جنگ زمینی، اطلاعات، ضد اطلاعات بود که تا سقوط رژیم پهلوی نیز این تبادلات ادامه داشت (آرائی و نجف پور، ۱۳۹۲: ۱۳۰). رژیم پهلوی با هدف تقویت موقعیت خود در برابر کشورهای عربی، به همکاری‌های امنیتی و نظامی با رژیم صهیونیستی پرداخت. در مجموع روابط تهران و تل‌آویو در دوران پهلوی بر اساس عرف بین‌المللی تعادل نداشت و تأثیرات رژیم صهیونیستی بر ایران در ابعاد گوناگون اقتصادی، امنیتی - اطلاعاتی، فرهنگی و نظامی محرز بود. روابط ایران و رژیم صهیونیستی در واقع شاخصه برجسته‌ای از

پنهان کاری های سیاسی و ظاهر سازی عوام فریبانه بود. در این دوره خط مشی سیاست خارجی ایران در قبال رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از اعتراضات اعراب روال غیر رسمی را در پیش گرفته و هیچگاه این روابط رسمیت یافته نشد. بین سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۲ به دلیل بی ثباتی حاکم بر فضای سیاسی کشور، اتحاد استراتژیکی که بین آمریکا، ایران و رژیم صهیونیستی وجود داشت با چالش عظیمی مواجه و ارتباطات دو جانبه این دو رژیم را به مخفی شده و محرمانگی این روابط به خصیصه پایدار آن تبدیل شد. امام خمینی (ره) پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ اعلامیه ای صادر کرد و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی را به جهان اسلام به عنوان یک تهدید و خطر جدی تذکر دادند. در نهایت با پیروزی انقلاب اسلامی، یهودیان ناچار شدند برای همیشه ایران را ترک کنند و این گونه روابط سی ساله ایران و رژیم صهیونیستی به پایان خود رسید (شهبازی، ۱۳۹۳: ۹۵). اصلی ترین مانع بین ایران و رژیم صهیونیستی، مخالفت ها در داخل بود که از سوی روحانیون و محافل مذهبی صورت اعتراضی می گرفت. دخالت های خارجی از سوی اعراب و کشورهای اسلامی در کنار این عامل، خصیصه ای پنهانی به ماهیت روابط ایران و رژیم صهیونیستی بخشید که به روایت علی امینی به مثابه عشقی واقعی بود که خارج از قاعده ازدواج پایدار بین دو شخص است (Sobhani, ۱۹۸۹: ۴). دلایل زیر را می توان خلاصه ای از علل برقراری روابط بین این دو رژیم خلاصه کرد: ۱- کنترل جریان آزاد انرژی از خلیج فارس و منافع سرشار اقتصادی که بیشتر به نفع رژیم صهیونیستی بود ۲- ترس از نفوذ کمونیسم شوروی ۳- محاصره کشورهای عرب توسط کشورهای غیر عربی مانند ایران و ترکیه ۴- خروج رژیم صهیونیستی از انزوای سیاسی در منطقه غرب آسیا و هم پیمانی دو رژیم با غرب (تقی پور، ۱۳۹۰: ۱۹).

۴-۴. دکترین صبر استراتژیک؛ پیروزی انقلاب اسلامی و سرآغاز قطع دائمی روابط ایران و

رژیم صهیونیستی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ جهت گیری سیاست خارجی کشور دگرگون شد و شناسایی دوفاکتو حکومت قبلی را از که به رژیم صهیونیستی داده شده بود، پس گرفت و اعلام داشت که باید هرگونه روابط اقتصادی سیاسی و فرهنگی با این رژیم قطع گردد. با وقوع این انقلاب، صهیونیست ها که پیشتر یک متحد استراتژیک شاه پهلوی را در معیت خود می دیدند، در یک استحال عمیق ایدئولوژیکی با یک دشمن سرسخت و نوظهور به نام جمهوری اسلامی ایران مواجه شدند که از همان ابتدا صهیونیست ها را یک دشمن بالقوه می پنداشت که نابودی آن را در اولویت می دانست (گات، ۱۳۹۹: ۱۱۵). از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون مبارزه با رژیم صهیونیستی در صدر برنامه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. پیش از انقلاب، ایران و رژیم صهیونیستی روابط نزدیکی داشتند و حتی این رژیم به عنوان یک متحد استراتژیک برای ایران در برابر کشورهای عربی محسوب می شد. با پیروزی انقلاب، آیت الله خمینی (ره) تمامی قراردادها با آن را لغو نموده و این کشور را "رژیم صهیونیستی" نامید. همچنین، ایران به حمایت از گروه های فلسطینی و شیعه در لبنان پرداخت و به طور رسمی سفارت رژیم صهیونیستی را تعطیل کرد و امام خمینی آخرین روز ماه رمضان را به عنوان روز قدس نام گذاری نمود که همه ساله در آن روز، تظاهرات گسترده ای در حمایت از ملت فلسطین برپا می گردد (غلامی، مرکز بین المللی مطالعات صلح - IPSC). با وقوع انقلاب اسلامی یکی از مسائل مهمی که در رأس مشی سیاست خارجی قرار گرفت، محور رژیم اشغال گر بود که امام راحل بارها در بیانات خود به آن اشاره کرده بودند. ایشان همواره روابط سیاسی ایران با آمریکا و رژیم اشغالگر را برای دنیای اسلام خطرناک توصیف می کردند، لذا در دولت موقت مهدی بازرگان، جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی

روابط خود را قطع نموده و ورود یاسر عرفات رهبر فلسطینیان را به عنوان نخستین رهبر یک کشور خارجی به خاک ایران مورد استقبال قرار داد (کشاورزی نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷۳). بدیهی بود که انقلاب اسلامی مسئله فلسطین را در صدر اهداف خود قرار دهد و یکی از آرمان‌های اصلی اش دفاع از مسلمانان جهان باشد. سیاست خارجی منطقه ای ایران در این برهه بر اساس مخالفت‌های جدی علیه رژیم صهیونیستی قرار گرفت. البته تا قبل از شروع جنگ تحمیلی رابطه ایران با سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و ضدیت با رژیم اشغالگر در یک مسیر قرار داشت، اما بعد از حمایت سازمان این سازمان فلسطینی از عراقی‌ها در جنگ تحمیلی ۸ ساله، مخالفت با رژیم صهیونیستی با حمایت از آرمان فلسطینی‌ها و به رغم تنش در روابط ایران و ساف توامان شد (عاقلی، ۱۳۹۴: ۴۲۱). همچنین دشمنی‌های مخفیانه دیگری نیز طی سال‌های جنگ تحمیلی از جانب صهیونیست‌ها انجام گرفت اما پس از پایان اشغال کویت، این رژیم به دشمنی علنی با ایران پرداخت. برخی معتقدند که حمله عراق به جمهوری اسلامی ایران با تحریک صهیونیست‌ها صورت گرفت (۶: Baroud, ۲۰۰۸)

۴-۵. دکترین بازدارندگی فعال؛ جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و پایان سیاست صبر استراتژیک و

اتخاذ سیاست بازدارندگی فعال

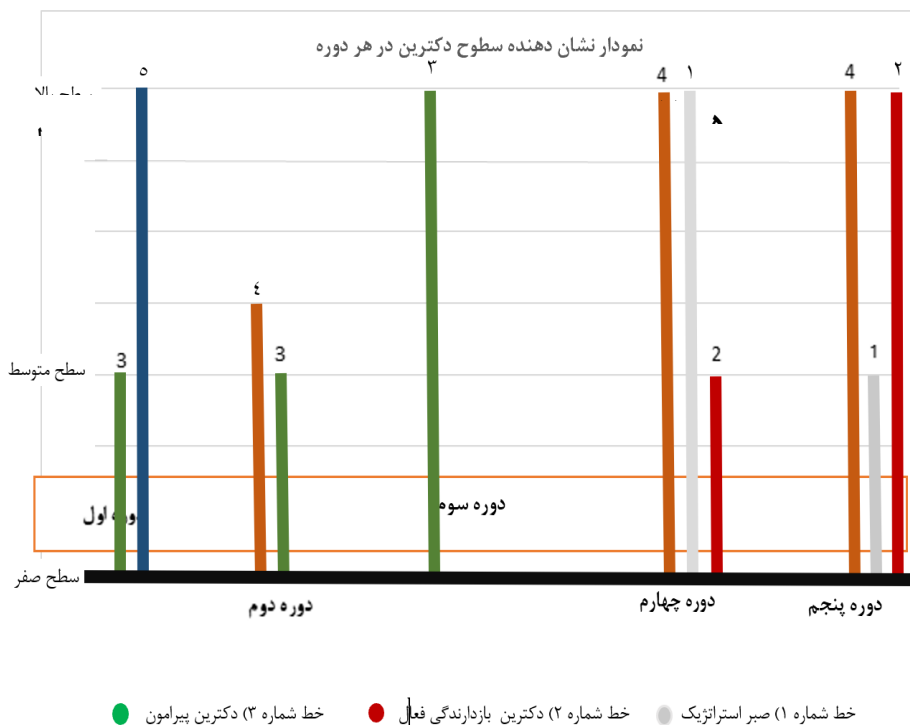
از زمان پایان جنگ ایران و عراق، مقامات نظامی ایران، استراتژی بر اساس تحمل شرایط و انتقام در زمان مناسب را اتخاذ کردند. با وجود چندین دهه خرابکاری‌های مستمر رژیم صهیونیستی، راهبرد ایران به عنوان صبر استراتژیک منفعل شناخته شد، که مشخصه آن فقدان اقدام تلافی جویانه بود. ایران از اوایل دهه ۲۰۱۰ سمت بازدارندگی فعال حرکت کرد اما این حرکت پرشتاب نبود. این تغییر استراتژی به دلیل افزایش تهدیدات رژیم صهیونیستی و تحولات منطقه‌ای، به ویژه پس از جنگ سوریه، شدت یافت. ایران با تقویت توان نظامی،

توسعه موشک‌ها و پهپادها، و حمایت از گروه‌های هم‌پیمان مانند حزب‌الله و حماس، به دنبال ایجاد یک «حلقه آتش» برای مقابله با تهدیدات بود. در واقع حزب‌الله و حماس نقش‌های کلیدی در استراتژی بازدارندگی ایران در برابر رژیم اشغالگر دارند. حزب‌الله به عنوان یک نیروی نظامی در مرزهای اسرائیل، توانسته است قدرت بازدارندگی ایران را افزایش دهد و به کاهش احتمال حمله نظامی به ایران کمک کند. حماس نیز با دریافت حمایت‌های نظامی و مالی از ایران، به تقویت جبهه غزه پرداخته و به عنوان یک تهدید برای اسرائیل عمل می‌کند. این دو گروه، با ایجاد عمق استراتژیک برای ایران، به انسجام محور مقاومت کمک کرده و توانایی‌های نظامی را در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی تقویت می‌کنند. همچنین شکست توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ موسوم به «برنامه‌ی جامع اقدام مشترک» موسوم به برجام و عملیات‌های پنهانی رژیم صهیونیستی علیه ایران طی سال‌های اخیر، باعث شد تا تهران سیاست صبر راهبردی خود را کنار بگذارد. پس از این شکست، ایران به بازتعریف خطوط قرمز خود پرداخته و سیاست خویشتنداری را کنار گذاشت، به طوری‌که هرگونه حمله به منافع و شهروندان را با پاسخ قاطع تهدید کرد. این تغییر به دلیل سوءتفاهم دشمنان نسبت به صبر ایران و افزایش تهدیدات امنیتی، ضرورت یافت. ایران به این نتیجه رسید که برای حفظ بازدارندگی، باید به سمت پذیرش ریسک‌های بیشتر برود و از ابزارهای نظامی مستقیم استفاده کند. این عوامل باعث شدند تا ایران به بازتعریف خطوط قرمز خود بپردازد و سیاست‌های تهاجمی‌تری اتخاذ کند. اما آنچه در نهایت اتخاذ راهبرد بازدارندگی فعال در قبال تعرضات رژیم صهیونیستی را برای مقامات ایران منطقی ساخت، آغاز جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بود. در این تاریخ، حماس به عملیات نظامی به نام «طوفان الاقصی» علیه رژیم صهیونیستی دست زد که به کشته و مجروح شدن بسیاری انجامید. رژیم اشغالگر نیز به اقدام نظامی علیه حماس روی آورد

و بخش‌هایی از غزه را محاصره و بمباران نمود (محمدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۰۵). در ابتدای این جنگ، ایران با تقویت نیروهای نیابتی به سمت بازدارندگی فعال پیش می‌رفت. در تاریخ ۱ آوریل ۲۰۲۴ رژیم صهیونیستی، کنسولگری جمهوری اسلامی ایران که در مجاورت ساختمان اصلی سفارت در منطقه مزه دمشق قرار داشت را هدف حمله قرار داد و چند تن از جمله فرمانده ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران به شهادت رساند (Al Jazeera: ۲۰۲۴). این واقعه به عنوان یک نقطه عطف در تنش‌های ایران و رژیم صهیونیستی تلقی و واکنش‌های بین‌المللی متعددی را به دنبال داشت. به نقل از العربیه این اقدام یکی از بزرگترین ضربه‌ها به ایران از زمان کشته شدن شهید قاسم سلیمانی، توسط آمریکا در سال ۲۰۲۰ بود. این حمله نه تنها به دلیل تلفات، بلکه به این دلیل که یک مرکز دیپلماتیک ایران را هدف قرار داد، اهمیت بیشتری داشت که عملاً حمله اسرائیل به خاک ایران تلقی می‌شد. رژیم صهیونیستی که به حملات هوایی مکرر خود علیه اهداف مرتبط با ایران در سوریه معروف است، سکوت معمول خود را در قبال این حمله حفظ کرده بود اما مقامات این رژیم سرانجام مسئولیت حمله را پذیرفتند (Arabiya: ۲۰۲۴). مقام‌های ایرانی، از جمله مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور، تأکید کردند که این اقدام بی‌پاسخ نخواهد ماند و صهیونیست‌ها باید منتظر عواقب آن باشند. سپاه پاسداران ایران در ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ با اعلام طی عملیات ترکیبی و پیچیده حجم زیادی از موشک و پهپاد را از آسمان چند کشور عبور داده و رژیم صهیونیستی و متحدانش را در اوج آمادگی نظامی زمین‌گیر و تنبیه کرد (حدادی، ۱۴۰۳: ۲). عملیات وعده صادق ۱ بزرگ‌ترین عملیات پهپادی تاریخ بود که ایران با استفاده از سه لایه حمله، توانست دفاع رژیم صهیونیستی را به چالش بکشد. این عملیات با بهره‌گیری از پهپادها و موشک‌ها، سیستم‌های پدافندی دشمن را اشباع کرد و به این ترتیب امکان نفوذ به اهداف مهم این رژیم را فراهم کرد. این

عملیات نشان‌دهنده توانایی‌های نظامی ایران و احیای بازدارندگی در برابر تهدیدات خارجی بود و با هدف کنترل رفتارهای پرخطر رژیم صهیونیستی طراحی شده بود. همچنین، این اقدام تأکید بر سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی و نیاز به واکنش قاطع در برابر تجاوزات دشمنان را نمایان ساخت و به بازدارندگی فعال ایران شتاب بخشید. اسرائیل پس از عملیات وعده صادق ۱ چند موشک به پایگاه اصفهان شلیک کرد، اما این اقدام به عنوان واکنش محدودی تلقی شد. همچنین، مقامات صهیونیستی وعده پاسخ سختی به ایران دادند، اما این پاسخ با عدم همراهی آمریکا مواجه شد. به دنبال افزایش تنش‌ها بین تهران و تل‌آویو، رئیس دفتر سیاسی حماس، اسماعیل هنیه که به دعوت ایران برای مراسم تحلیف رئیس‌جمهور به تهران سفر کرده بود، در ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴ توسط برنامه از پیش طراحی شده رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. اما آنچه که در نهایت ایران را در آستانه انفجار قرار داد و تحقق نهایی دکترین بازدارندگی فعال را به حد کامل فراهم ساخت، حمله هوایی رژیم صهیونیستی در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ به مقر حزب‌الله در ضاحیه جنوبی بیروت بود. در این حمله، عباس نیلفروشان به عنوان معاون عملیات سپاه پاسداران در کنار سید حسن نصرالله - دبیرکل حزب الله لبنان - به شهادت رسیدند. دولت ایران به ترور حسن نصرالله، واکنش شدیدی نشان داد و مقامات ایرانی ضمن محکوم کردن این اقدام، بر ادامه مقاومت تأکید و در ۱ اکتبر ۲۰۲۴ عملیات وعده صادق ۲ و دومین حمله موشکی به رژیم صهیونیستی یعنی اوج دکترین بازدارندگی فعال ایران را به نمایش گذاشتند. اهداف ایران از این حمله شامل: ۱- انتقام از ترور ۲- پاسخ به تهدیدات ۳- توسعه توان نظامی ۴- تنبیه رژیم صهیونیستی ۵- افزایش بازدارندگی ۶- غافلگیری دشمن ۷- تغییر معادلات قدرت بود که نشان‌دهنده عزم ایران برای حفظ امنیت ملی و منطقه‌ای تعبیر می‌گردد. نمودار زیر سطوح روابط بین ایران و رژیم صهیونیستی در قالب دوره‌های مختلف را

نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۴. سطوح دکترین، (منبع: یافته های پژوهش)

۵. نتیجه گیری

همزمان با شکل گیری رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی، محمدرضا شاه پهلوی پس از دیدار با هری ترومن، رئیس جمهور وقت امریکا، در راستای منافع اقتصادی و سیاسی ایران به عنوان دومین کشور مسلمان، دولت صهیونیستی را به رسمیت شناخت. این تصمیم در قالب شناسایی دو فاکتو و به منظور حفاظت از منافع ایرانیا ساکن اراضی اشغالی فلسطین انجام شد، به ویژه پس از جنگ ۱۹۴۸ که بسیاری از آنها مجبور به ترک کشور شدند، ایران همچنین به دنبال

ایجاد یک جبهه متحد علیه تهدیدات کشورهای عربی، به ویژه پس از پیروزی‌های نظامی رژیم صهیونیستی در جنگ‌های مختلف بود و این تصمیم با وجود مخالفت‌های داخلی و فشارهای روحانیون، در جلسه دولت ایران به تصویب رسید. با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تحولات هویتی شگرف در جمهوری اسلامی ایران حادث شد که زمینه خصومت ایدئولوژیکی را فراهم آورد که یکی از مهم‌ترین این تحولات، شناسایی جدید صهیونیست‌ها در قالب یک رژیم غاصب و اشغالگر بود. در واقع نقطه آغازین تقابل فی مابین ایران با رژیم صهیونیستی بود که به مرور زمان به دیگر متحدان منطقه ای و بین‌المللی تسری یافت. این رژیم به دلیل حمایت ایران از گروه‌های مسلح همچون؛ حزب‌الله و حماس، مواضع تهاجمی‌تری علیه ایران اتخاذ و از سویی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز در ۱۹۹۱ تأثیر عمیقی بر روابط این دو کشور گذاشت. همچنین برنامه هسته‌ای ایران یکی از مهمترین عواملی است که به شدت بر روابط ایران با رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی تأثیر گذاشته و حملات متقابل و ترورهای هدفمند رژیم صهیونیستی به تشدید چالش‌ها منجر شد و پس از جنگ طوفان الاقصی سال ۲۰۲۳ قواعد بازی بین این دو واحد سیاسی کاملاً تغییر کرد. روابط ایران و اسرائیل در آینده نیز تحت تأثیر تنش‌های جاری و تحولات منطقه‌ای قرار دارد. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی به دنبال حفظ امنیت خویش و جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه تشدید راهبرد نموده است، اما همچنان تمایل دارد که حملاتش صرفاً محدود به اهداف نظامی باشد. براساس فرضیه این پژوهش، آینده روابط این دو کشور بستگی به تحولات جنگ غزه و واکنش‌های بین‌المللی خواهد داشت به گونه‌ای که روابط ایران و رژیم صهیونیستی بر اساس نظریه بازدارندگی به شدت تحت تأثیر تحولات تاریخی و استراتژیک قرار دارد از طرفی، صهیونیست‌ها نیز با استفاده از استراتژی‌های بازدارندگی، به دنبال جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه و توسعه برنامه

هسته‌ای آن بوده و این رویکرد شامل؛ حملات هوایی و همکاری نزدیک با ایالات متحده برای حداکثر فشار بر ایران می‌باشد. در عوض، ایران نیز به تقویت توانایی‌های نظامی خویش ادامه داده تا تهدیدات رژیم صهیونیستی را بی پاسخ نگذارد. همچنین ایران نیز پس از سال‌ها صبر استراتژیک، به یک سیاست فعال‌تر و بازدارنده روی آورده که شامل؛ پاسخ‌های نظامی به حملات دشمن بوده و همچنین با تمرکز بر تقویت توان نظامی خویش و تغییر در رهبری نظامی، به تدریج از وابستگی به متحدان غیردولتی به یک شکل جدید از بازدارندگی روی آورده است و در مقابل با تغییر در معادلات قدرت منطقه‌ای و افزایش نفوذ ایران در میان کشورهای عربی، صهیونیست‌ها را به تجدیدنظر در استراتژی‌های خود واداشته است.

فهرست منابع

فارسی:

۱. ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۴)، روابط خارجی ایران ۱۳۳۰ (۱۳۵۷)، تهران، قومس
۲. امینی، علیرضا، (۱۳۸۱)، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران، صدای معاصر
۳. آدمی، علی و تبریزی، زینب، (۱۳۹۸)، تأثیرات بازدارندگی ایران و اسرائیل بر امنیت منطقه‌ی آسیای غربی. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۳۷)، ۲۶۹-۲۸۷.
۴. آرائی، وحید و نجف‌پور، شعبان، (۲۰۱۳)، تحلیلی بر روابط ایران و رژیم صهیونیستی در دوره پهلوی؛ توازن یا وابستگی. فصلنامه تاریخ روابط خارجی- ۱۲۱، ۱۴(۵۶)، ۱۳۹.
۵. آرشیو اسناد وزارت امور خارجه، (۱۳۳۲)، بخش ۲۶ پرونده ۴۷
۶. باقری زاده علی، (۲۰۲۳)، شهید سلیمانی و جهت‌گیری دکترین دفاعی-امنیتی ج.ا. ایران

- با تاکید بر: کنشگری فعال و مدل «تصمیم‌گیری بیش از حد».
۷. برزگر، کیهان، (۱۳۹۹)، امکان سنجی رویارویی نظامی رژیم اسرائیل با ایران، فصلنامه گفت‌وگو، شماره ۲ (۳)، ۶۵-۹۴. SID. <https://sid.ir/paper/524273/fa>
۸. تقی پور، محمد تقی، (۱۳۹۰)، ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
۹. تقی پور، محمد تقی، (۱۳۹۰)، ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
۱۰. ج هاندریده، محمدعلی، (۱۴۰۳)، وعده صادق، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
۱۱. حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۲)، ایران و رژیم صهیونیستی از همکاری تا منازعه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
۱۲. حدادی، علیرضا، (۱۹۸۲)، اثر عملیات وعده صادق بر سرمایه اجتماعی حاکمیت (۱۹۸۵۶).
۱۳. دوئرتی فالترز گراف و جیمز رابرت، (۱۳۸۴)، نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل، انتشارات سمت
۱۴. رمضانی قوام‌آبادی، محمد حسین، (۲۰۱۶)، از شناسایی دولت فلسطین تا عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی، دولت پژوهی، ۲ (۷)، ۱-۳۹.
۱۵. زارع، رضا، (۱۳۸۴)، ارتباط ناشناخته بررسی روابط رژیم پهلوی و اسرائیل (۱۳۵۷-۱۳۲۷)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
۱۶. شهبازی، الهام، (۲۰۱۴)، ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه، *خردنامه*، ۱۱۲-۹۱، ۴ (۱۲)، ۱-۳۹.
۱۷. عاقلی، باقر، (۱۳۹۴)، روز شمار تاریخ ایران، ج ۱، تهران: نشر نامک
۱۸. علیدوستی، قاسم، (۱۳۹۷)، بازدارندگی فعال در اندیشه و نظر حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)، <https://sid.ir/paper/901409/fa>.
۱۹. غلامی، طهمورث، (۱۳۸۹)، تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر منازعه اعراب و اسرائیل، مرکز بین المللی مطالعات صلح - IPSC، <https://peace-ipsc.org>

۲۰. قانون، مرتضی، (۱۳۸۱)، دیپلماسی پنهان: جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی با مروری بر پیشینه تاریخی یهودیان ایران. تهران: طبرستان
۲۱. کات آزر، (۱۳۹۹)، علل جنگ و گسترش صلح، ترجمه محمد علی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۲. کدخدایی، عسکری حصن، (۲۰۱۹)، دکترین امنیتی ج.ا. ایران با تاکید بر بازدارندگی فعال و حفظ ضربه دوم. پژوهش ملل، ۴۷(۴)، ۴۷-۷۲.
۲۳. کریمی، آرایش و حسن، رحیمی عماد، (۲۰۱۲)، تقویت رابطه ایران و اسرائیل در پرتو نقش جمال عبدالناصر. دانش سیاسی و بین الملل (توقف انتشار)، ۱(۳)، ۸۹-۱۰۸.
۲۴. کشاورزی نیا، کلهر، محمد، فروزش، سینا، (۲۰۱۹)، تأثیر مساله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل در طی سالهای ۱۳۲۷-۱۳۹۷. فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ۹(۴)، ۲۵۵-۲۸۱.
۲۵. کگلی، چارلز دبلیو و اوچین آر. ویتکف، (۱۳۸۸)، سیاست خارجی آمریکا؛ الگو و روند. ترجمه اصغر دستمالچی. چاپ سوم تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۲۶. کوهستانی نژاد، (۲۰۰۳)، روابط ایران و اسرائیل در دوره دولت دکتر مصدق (۱۳۳۲-۱۳۳۰). تاریخ روابط خارجی، ۱۵(۴)، ۱۰۵-۱۶۰.
۲۷. محمدی، عقیل و عابدینی، عبدالله و کیانی، امیرعباس، (۱۴۰۳)، توسل به زور در حقوق بین الملل: مورد مطالعاتی مخاصمه ۲۰۲۳ حماس و اسرائیل. مطالعات حقوقی، ۱۶(۱)، ۱۴۴-۱۰۵. doi: ۱۰,۲۲۰۹۹/jls.۲۰۲۴,۴۹۱۴۸,۵۰۷۴
۲۸. منصوری، توران، (۲۰۲۳)، روابط ایران و اسرائیل (۱۳۲۶-۱۳۵۷) از منظر نگاه نمایندگان مجلس شورای ملی. تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، ۵(۹)، ۲۹۶-۳۲۳.

لاتین:

Al Jazeera, (۲۰۲۴), Israel strikes Iran consulate in Syria's capital . ۱

Damascus: What we know,

<https://www.aljazeera.com/amp/news/۲۰۲۴/۴/۲/attack-on-iran-consulate-in-damascus-what-do-we-know>

ALARABIYA news, (۲۰۲۴), Iran unlikely to strike Israel directly . ۲

- after Syria consulate attack, experts say,
<https://english.alarabiya.net/News/middle-east/۲۰۲۴/۰۴/۰۳/iran-unlikely-to-strike-israel-directly-after-syria-consulate-attack-experts-say>
- Bahgat, G. (۲۰۰۶). Israel and Iran in the new middle east. ۳
 Contemporary Security Policy, ۲۷(۳), ۳۶۳-۳۷۰.
- Baroud, Ramzy (۴ June ۲۰۰۸), "Life After Bush: Forecasting Peace . ۴
 in Palestine", available at: www.counter-currents.org/palestines.htm
- Farhang, M. (۱۹۸۹). The Iran-Israel Connection. Arab Studies . ۵
 Quarterly, ۸۰-۹۸.
- Freilich, Charles D, (۲۰۱۸), Israeli National Security: A New . ۶
 Strategy for an Era of Change by Oxford University Press.
- Parsi, T. (۲۰۰۷). Iran and Israel: The Avoidable War. Middle East . ۷
 Policy, ۱۴(۳).
- Parsi, T. (۲۰۰۷). Treacherous alliance: the secret dealings of Israel, . ۸
 Iran, and the United States. Yale University Press.
- Parsi, Trita, Treacherous Alliance: The Secret Dealings of Israel, . ۹
 Iran, and the United States, ۲۰۰۸, Yale University Press
- Roshandel, J., Lean, N. C. (۲۰۱۱). Iran, Israel, and the United . ۱۰
 States.
- Shlaim's, Avi,(۲۰۲۳), Secret War Between Iran and Israel, . ۱۱
 Oneworld Publishing
- Simon, S. (۲۰۱۰). Iran and Israel. The Iran Primer: Power, Politics, . ۱۲
 and US Policy.
- Sobhani, S. (۱۹۸۹), The Pragmatic Entente: Israeli-Iranian . ۱۳
 Relations, ۱۹۴۸-۱۹۸۸, Praeger Publishers.
- Sobhani, S. C. (۱۹۸۹). The pragmatic entente: Israeli-Iranian . ۱۴
 relations, ۱۹۴۸-۱۹۸۸. Georgetown University.